

انتقاد از يك كتاب

انتزاع چاپ و تسهیل وسائل طبع و نشر و افزایش افراد باسواد هر چند موجب خوشوقتی هر فرد خردمند و روشن بین است ولی در این زمینه از يك نکته مهم نباید غفلت کرد که طبع هر کتابی و نشر آن و ترجمه آن از زبانی بزبان دیگر کار خوبی نیست بلکه باید قبل از طبع و نشر در مطالب آن دقت شود با موازین منطقی و عقل و مدار که معتبر و زنده ستجیده شود در صورتیکه مطابق آن موازین باشد بمنظور نشر معارف انسانی و خدمت بنوع بطبع و نشر آن اقدام گردد .

متأسفانه در اجتماع ما گاهی بکتابهایی برخورد میکنیم که هزارها نسخه از آن طبع و منتشر گردیده و در دسترس افراد مخصوصاً جوانان باسواد ما گذارده شده که مطالب آن با مدارک معتبری که در دست است مطابقت ندارد ، برای نمونه توجه خوانندگان محترم را به « کتاب شهسوار اسلام » که در پیرامون زندگانی و شخصیت امیر مؤمنان علی (ع) بقلم یکی از مستشرقین بنام « کاپریل دانگری » نوشته شده و بوسیله آقای کاظم عمادی بفارسی ترجمه و هزارها نسخه از آن طبع شده است و جزء کتابهای جیبی است و در دسترس نوع جوانان ماست حلبی نمائیم در این کتاب مطالبی که با منطقی و مدارک صحیح مطابق نیست زیاد است از باب نمونه بچند مورد اشاره می کنیم .

الف مؤلف کتاب مزبور در تحت عنوان « ریشه های شیعه » ص ۱۵۵ چاپ شرکت سهامی افست سازمان کتابهای جیبی میگوید : مورخین سنی و اغلب خاورشناسان مسیحی ریشه شیعه را تعلیمات دین سیاه میدانند . با این همه شیعیان بدین انتساب شدیداً اعتراض میکنند بر عم نویسنده گان شیعی . مؤسس این مذهب یکی از یاران اصلی پیغمبر و چهارمین نفر از طایفه قریش که به آئین اسلام مشرف شد یعنی ابوذر غفاری است .

در این يك مورد از جهاتی مؤلف نامبرده در اشتباه واقع گردیده است :

۱ - هیچيك از مورخین معتبر معتقد نیستند که مذهب تشیع را « ابن سیاه » تأسیس کرده باشد و اگر در برخی از کتب غیر معتبره چنین مطلبی دیده شود ، امدارک مسلمی که برای مذهب تشیع هست و ما اشاره خواهیم کرد تطبیق نمیکند اگر خاورشناسان در اشتباه واقع شده باشند (چنانکه مطلب این طور هم هست) چرا باید مترجم کتاب « ابن سیاه » افلا اشاره ای نکند .

۲ طبق مدارک منبری که نقل و نقل در دست است منصف تصحیح همان آئین پاک است که پیغمبر
ایلام آورده است

شبهه معتقد است که پیغمبر (ص) علی (ع) را جوان جانشینی بعد از خود مین گزید است
و او منحصر آلیقت این مقام قدس را داشته است و در این موضوع ایماهی نیست کسانی که توضیح
لازم را بخواهند برای نمونه بد کتاب «الدبر» مراجعه کنند. ابودر و سلطان و معتاد و عمار
و حذیفه و امثال این شخصیت های پررنگ همه پیرو این مدعب بوده اند. و در این صورت بسیار تعجب
است که ابودر را مؤسس این منصف قلمداد کنند و مترجم هم آن را ترجمه کند بدون اینکه اشاراتی
باشند. مؤلف نباید

شاید بعضی از خوانندگان تصور کنند که امانت دوزخ چه چیزی میگرداند است که بدون
کم و زیاد مطالبی را هم متوجه می شود ولی مترجم غیر از این موضوع، وظیفه دیگری نیز دارد و آن است
بصالحی که بر می خورد و با مواردی صحیح تطبیق نمیکند باید در یادش اشاره کند تا موجب
انحراف نشود.

۲ - ابودر از قریش نیست. همین اشاره کافی است که بنایم کاتبین را در نگهبری بتوانیم
و مدارک اسلام آشنا بوده است.

ب مؤلف کتاب «شهور اسلام» درس ۶۵ میگوید: «متولیان (متولیان) منظور شیعیان است معلوم
نیست بچه متاس است این نام را شیعیان داده است» آملی بر قرآن، موافق منصف خود اقرور داده
این نیست دروغ و افترای روشنی است که در ادامه میماند قرآن که در دسترس شیعیان است یا این
قرآنها که در مصر و سایر شهرهای تیش موجود است مطابق است مگر اصلاً امکان دارد کسی
بر قرآن چیزی اضافه کند؟

ج مؤلف کتاب نامبرده «العلوم» بیانگر آن است که «سلامت علی (ع) و ائمه و فدیر خم و
اهل ایامی نبرده» درس ۵۲۷ ص ۶۵ و غیر اینها در موارد بسیاری مطالبی را درباره حلیفه و جانشین
واقعی پیغمبر اسلام (ص) ذکر کرده که ابتدا با مواردی تاریخ صحیح تطبیق نمیکند.

در این کتاب علاوه بر مطالب فوق موارد انحراف فراوان است که در پیوسته آنرا بصورت
یک کتاب غیر معتبر و کم ارزش در آورده است.